



«قساوت دل» اولین مانع عقلانیت و خردورزی است

وقتی دل انسان، قساوت و کدورت نداشته باشد، می‌تواند به خوبی فکر کند، زیرا قساوت دل، ابهت گناه را از دل می‌برد و بعضی اوقات اصلاً عادت به گناه کرده و گناه را توجیه می‌کند و از آن لذت هم می‌برد.

وقتی دل انسان، قساوت و کدورت نداشته باشد، می‌تواند به خوبی فکر کند، زیرا قساوت دل، ابهت گناه را از دل می‌برد و بعضی اوقات اصلاً عادت به گناه کرده و گناه را توجیه می‌کند و از آن لذت هم می‌برد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌العظمی مظاهری، معظم‌له در جلسه اخلاق اخیر خود به بحث از «موانع خردورزی انسان» پرداخت که مشروح آن در ادامه می‌آید:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»

موانع عقلانیت و خردورزی
در جلسه گذشته بیان شد که عواملی، مانع تعقل انسان شده، کارکرد بعد روحی انسان را از بین می‌برند. در این راستا از «قساوت دل» به عنوان اولین مانع عقلانیت و خردورزی نام برده شد و در تشریح قساوت، دو مرتبه از مراتب آن بیان گردید. اینک ادامه شرح مراتب قساوت دل:

مراتب قساوت دل/مرتبه سوم: غفلت از قبح گناه

در این مرتبه از قساوت قلب که این هم درد بسیار بزرگی است، ابهت گناه از دل انسان می‌رود. گناه بسیار اهمیت دارد؛ اگر انسان مبتلا به قساوت دل نباشد و به عبارت دیگر، روح و بعد روحی خود را نکشته باشد، جا دارد که با یک گناه که در ظاهر کوچک می‌نماید، به اندازه‌ای متلاطم و ناراحت شود که دق کند و بمیرد.

حکایتی از درک ابهت گناه

رسم پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» این بود که هنگام جنگ، به اعلام آن بسنده می‌کردند و کسی را مجبور به شرکت در جنگ نمی‌کردند. بلال روی بام مسجد می‌رفت و می‌گفت: «الصلاة جامعة»، آنگاه همه جمع می‌شدند و به قول عوام اگر آب دستشان بود، نمی‌خوردند و به مسجد می‌آمدند تا ببینند چه خبر است؟ سپس همه در جنگ شرکت می‌کردند. در این میان، معمولاً چند نفر از جوان‌های امین و مورد اعتماد به دستور پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» برای سرپرستی زنان و فرزندان رزمنده‌ها در شهر می‌ماندند. روزی یکی از آن افراد برای رفع حوائج از اهل یک خانه، به درب منزل آنان رفته بود که حین صحبت با خانم خانه، دستش روی سینه خانم قرار گرفت. آن خانم وحشت زده گفت: «التار، التار»، چه کردی؟! این آتش است. این شخص به اندازه‌ای منقلب شد که سرپرستی خانواده‌ها را به دیگری سپرد و برای توبه، سر به بیابان گذاشت و مانند دیوانه‌ها مرتب می‌گفت: «التار، التار»

پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» از جبهه برگشتند. به ایشان گفتند: آن جوان، بی‌حیایی و گناه کرده و اکنون در بیابان است. پیامبر فرمودند: توبه‌اش قبول است. گناه، هرچقدر هم بزرگ باشد، اگر به راستی گناهکار توبه کند، توبه‌اش قبول می‌شود. سپس فرمودند: بیاید. هنگام بازگشت، با اینکه جوان از قبول شدن توبه‌اش خشنود بود، اما شدت شرمندگی او را آزار می‌داد و نمی‌توانست در صورت پیامبر «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» نگاه کند. بالأخره، به محضر آن حضرت رسید. اتفاقاً آن حضرت سوره تکوین را قرائت فرمودند. وقتی تلاوت ایشان به آیه شریفه «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ، لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ، هرگز چنین نیست اگر علم‌الیقین داشتید، به یقین دوزخ را می‌بینید» (تکاوین/6 و 5) [۱] رسید، ناگهان جوان آهی کشید و صیحه‌ای زد و نقش بر زمین شد. وقتی به کنارش آمدند، دیدند که از شدت ناراحتی و شرمندگی، جان داده است.

وقتی دل انسان، قساوت و کدورت نداشته باشد، می‌تواند به خوبی فکر کند و با تعقل، پس از یک گناه، به چنین جایگاهی برسد.

درک ابهت گناه، ناشی از توجه به محضر ربوبی

اگر انسان توجه داشته باشد که در محضر پروردگار متعال است و خدا او را می‌بیند: «إِنَّ اللَّهَ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ، خَدَّاسْتُ كَهْ بَه [حال] بندگان [خود] بیناست» (غافر/44) [۲]، هرگز گناه خود را کوچک نمی‌شمارد و درک می‌کند که نافرمانی خداوند تعالی، هرچند به نسبت کوچک باشد، چون در محضر ربوبی است، بسیار قبیح و بزرگ است. حضرت امام «قدس سرّه» چه خوش می‌فرمود: «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت خدا نکنید». این جمله از آیه «اعْمَلُوا فُتْسِرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ، وَ بگو [هر کاری می‌خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست» (توبه/105) [۳] گرفته شده و بر اساس این آیه شریفه می‌توان گفت: همه جا محضر پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» و محضر ائمه طاهرین «سلام‌الله‌علیهم» است. همه جا محضر امام زمان «روحی‌فداه» است و ادب حضور باید مراعات شود.

گناه، اثر وضعی دارد

باید توجه داشته باشیم که گناه اثر وضعی دارد. اثر وضعی فقط این نیست که انسان بیچاره و بدبخت و جهمی شود، بلکه نزد اهل دل، بدتر از همه چیز این است که رانده درگاه خداوند شود و خدا از او قهر و به او غضب کند. بعضی اوقات نیز غضب خدا عجیب می‌گیرد. بعضی اوقات گناه انسان، برای خودش، برای جامعه و حتی برای اولاد او اثر وضعی دارد. گاهی نیز اثر وضعی گناه و عقوبت دنیوی ناشی از آن، فوراً به گناهکار می‌رسد. یعنی علاوه بر قساوت قلب، او را به ناراحتی و عذاب دنیوی هم مبتلا می‌سازد. اگر خداوند از گفتار و کردار کسی غضبناک شود، خطرناک است.

اثر وضعی کوتاهی در دفاع از مؤمن

در روایت آمده است که دو نفر از اصحاب امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» را که یکی توسط مار و دیگری به نیش عقرب گزیده شده بود، نزد آن حضرت آوردند تا ایشان آن دو نفر را از عذاب و ناراحتی نجات دهند. امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» به آن‌ها فرمودند: از گناهی که موجب این ناراحتی برای شما شده است، استغفار کنید و به خدا پناه ببرید. آن‌ها عرض کردند: جریان چیست؟ آن حضرت به یکی از آن‌ها که عقرب او را گزیده بود، فرمودند: فلان روز که فلان کس به سلمان فارسی طعنه زد و طعنه او به خاطر محبت سلمان به ما بود، تو بر خود و خانواده و فرزند و مالت ترسیدی و ملاحظه آن مرد را کردی و از سلمان دفاع نکردی! از این جهت گرفتار نیش عقرب و مبتلا به این درد شدی! اگر می‌خواهی خداوند ناراحتی تو را از بین ببرد، توبه کن و تصمیم بگیر هر کس دوستی از ما را مورد طعنه قرار داد، در صورت توان او را کمک نمایی. سپس به نفر دوم که مار او را گزیده بود، رفتار مشابه وی نسبت به قنبر را یادآوری فرمودند و نیش مار و درد و عذاب او را نیز ناشی از رفتار او دانستند. [4]

دفاع از مسلمان واجب است. غیبت‌ها و تهمت‌هایی که امروزه بین مردم و در مجالس رایج است، خیلی گناه دارد و اگر کسی بتواند از شخص غایب یا شخصی که مورد اهانت و طعنه واقع می‌شود، دفاع کند و در این زمینه کوتاه بیاید، در آن گناه بزرگ شریک است. بر این اساس، اینکه در روایات آمده و فقها نیز در رساله‌ها نوشته‌اند که گناه غیبت، بدتر از زنا یا قتل است، شامل کسی که غیبت را می‌شنود و دفاع نمی‌کند هم می‌شود. بنابراین همه باید هنگام غیبت یا تهمت و نظایر آن، از شخص مظلوم دفاع کنند و مانع آبروریزی او شوند. متأسفانه گاهی مشاهده می‌شود برخی از مردم نه تنها از همدیگر دفاع نمی‌کنند، بلکه از غیبت و تهمت استقبال می‌کنند و با حرکاتی نظیر گرد کردن چشم خود، گوینده را برای ادامه دادن به آن گناه بزرگ تشویق می‌کنند. اما باید بدانند این طرز رفتار علاوه بر عذاب اخروی، در دنیا اثر وضعی دارد و آن‌ها را گرفتار می‌سازد.

اثر وضعی اهانت

یکی از علمای بزرگوار که خیلی خوب بود- رحمت خدا بر او باد- به من می‌گفت: برای خرید گوشت به مغازه قصابی رفتم. شخص بی‌ادبی آمد و به قصاب گفت: گاو نمی‌کشی؟ و پنهانی به من اشاره کرد. قصاب تبسم کرد. همان لحظه که تبسم کرد، یک زنبور لب او را گزید. آن‌ها خیال کردند من نفهمیدم چه شد، اما نیش زنبور اثر وضعی آن تبسم بود.

استاد بزرگوار ما حضرت امام «قدس سرّه» می‌فرمودند: مرحوم آیت الله آقای شاه آبادی «قدس سرّه» غصه می‌خوردند از اینکه یک نفر در اثر جسارت به ایشان مُرده بود. حضرت امام می‌گفتند: قضیه از این قرار بوده است که آقای شاه آبادی حمام بودند و وقتی از خزینه بیرون آمدند، یک آدم جسور و قدرتمندی مقداری آب به ایشان پاشید و جسارت هم کرد. آقای شاه آبادی بدون اینکه به او توجه کنند، به خزینه برگشته، خودشان را آب کشیدند و بعد بیرون آمدند. آن شخص هنوز از حمام بیرون نرفته بود که به خاطر آن جسارت، زبانش تاول کرد و مرتب می‌گفت: زبانه می‌سوزد و یکی دو ساعت طول نکشید که در بیمارستان مُرد. حضرت امام می‌گفتند: آقای شاه آبادی غصه می‌خوردند و می‌گفتند: ای کاش من حرفی به او زده بودم تا زود دچار آن عذاب نشود.

قساوت دل، خطرناک‌تر از اثر وضعی

باید توجه شود که گرچه اثر وضعی گناه، زیان‌بار است؛ اما خسارت و زیان ابتلا به قساوت دل بیش از اثر وضعی گناه است. در

واقع، دل انسان در پی گناه و تکرار گناه، سیاه و تاریک می‌شود. وقتی چنین شد، غیبت می‌کند و توجه به بزرگی گناه خود ندارد؛ دروغ می‌گوید و خیال می‌کند کار خوبی کرده، شایعه پراکنی می‌کند و خیال می‌کند عبادت کرده است. اختلاف راه می‌اندازد و تصور می‌کند کار خوبی انجام داده است. قرآن کریم می‌فرماید: ورشکسته‌ترین افراد و بدبخت‌ترین مردم همین‌ها هستند که بدی می‌کنند و خیال می‌کنند خوبی کرده‌اند: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا، الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا، بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم، [آنان] کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند» [5]

مثلاً افرادی غیبت می‌کنند و نام آن را غیبت سیاسی می‌گذارند و خیال می‌کنند عبادت کرده‌اند. این انحراف، از آنجا سرچشمه گرفته که عقل این‌گونه افراد نمی‌تواند کار کند؛ زیرا قساوت دارد و گناه آن‌ها برای دل و عقل آنان غل و زنجیر شده است. قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: یا رسول الله! وقتی برای آن‌ها قرآن می‌خوانی، می‌گویند: افسانه است: «إِذَا ثُلِّيَ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ، [همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود گوید [اینها] افسانه‌های پیشینیان است» (مطففین/13) [6]. سپس در آیه بعد می‌فرماید: به سبب اعمال آن‌ها دلشان زنگار گرفته و روی عقل آن‌ها پرده آمده است؛ وگرنه قرآن افسانه نیست: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ، نه چنین است بلکه آنچه مرتکب می‌شدند زنگار بر دل‌هایشان بسته است» (مطففین/14) [7]

قساوت دل، آدم را به اینجا می‌کشاند؛ یعنی گاهی می‌رسد به آنجا که ابهت گناه از دلش می‌رود و بعضی اوقات اصلاً عادت به گناه کرده و گناه را توجیه می‌کند و از آن لذت هم می‌برد.

توصیه مکرر و مؤکد به اجتناب از گناه

من بارها و بارها گفتم و الان هم می‌گویم که جوان‌ها! گناه نکنید، گناه تباهی می‌آورد، گناه، مانع عاقبت به خیری و عامل عاقبت شر و عاقبت بد است. پس، گناه نکنید؛ اما اگر در اثر فریب شیطان مرتکب گناه شدید، فوراً توبه کنید و به اصلاح خود و جبران گناه بپردازید و مواظب باشید که گناه را تکرار نکنید و در سرازیری گناه واقع نشوید. مراقب باشید به گناه، به خصوص به غیبت، تهمت و دروغ عادت نکنید که عادت به گناه، خیلی خطر دارد. گاهی انسان در اثر بی‌توجهی به قانون مراقبه، در شبانه‌روز ده غیبت می‌کند و گناهی به میزان ده مرتبه عمل منافی عفت در پرونده او ثبت می‌شود، اما متوجه گناه خود و آثار سوء آن نیست. برخی در یک روز ده مرتبه توهین می‌کنند، ولی نمی‌فهمند که ده مرتبه با خدا جنگیده‌اند. ده تا تهمت می‌زنند که مانند ده بار آدم کشی است. اما چون در سرازیری گناه واقع شده‌اند، متوجه اعمال زشت خود نیستند. این افراد مانند ماشینی که در سراسیمگی ترمز بریده است، در سرازیری گناه حرکت می‌کنند و سرانجامی جز سقوط نخواهند داشت. اما آنچه محتاج توجه بیشتر است و همیشه به جوانان متذکر می‌شوم، اینکه: جوان‌های عزیز اگر العیاذبالله گناه می‌کنید و اگر در سرازیری گناه واقع شده‌اید، تقاضا دارم که گناه را توجیه نکنید. خطر توجیه گناه، از مراحل قبلی گناه بسیار بیشتر است. توجیه گناه، انسان را به جایی می‌رساند که غیبت می‌کند، بعد می‌گوید: خوب کاری کردم؛ تهمت می‌زنم یا شایعه پراکنی می‌کند یا توهین می‌کند و نه تنها از کار خود راضی است، بلکه رنگ و لعاب دینی به آن می‌دهد.

گناه، روح انسان را می‌کشد

همه این مصائب از زنگار روح و قساوت دل سرچشمه می‌گیرد. دل و روح انسان فوق العاده اهمیت دارد، اما متأسفانه برخی روح خود را می‌کشند و کارکرد عقل، فطرت یا وجدان اخلاقی را از بین می‌برند و این، درد بزرگی است. ابزار آن‌ها برای کشتن روح و بعد ملکوتی هم گناه است؛ یعنی اگر از آن‌ها بپرسند که چگونه روح خود را کشتید؟ باید بگویند در اثر گناه؛ گناه چشم، زبان و گوش.

گناهان زبان مانند دروغ، غیبت، تهمت و اهانت و تحقیر، گناهان گوش، مثل شنیدن گناهان زبانی دیگران و شنیدن موسیقی مطرب و شهوت‌انگیز و بالأخره گناه چشم، نظیر چشم‌چرانی و دیدن صحنه‌ها و مناظر تحریک آمیز و تماشای فیلم و عکس مبتذل و شهوت‌انگیز، بعد ملکوتی یا بعد روحی انسان را می‌کشد و کشته شدن روح بسیار بدتر و زیان‌بازتر از مرگ جسم انسان است.

شما خیال می‌کنید این ماهواره‌ها تصویری را نشان می‌دهد و صدایی را پخش می‌کند و تمام؟! این طور نیست، بلکه آدم می‌کشد، روح می‌کشد. فکر می‌کنید بسیاری از سریال‌ها چه نتیجه‌ای دارد؟ یک نتیجه دارد و آن هم این است که روح انسان را می‌کشد. آنگاه انسان سیاه‌دل می‌شود. وقتی سیاه‌دل شد، حاضر است چند ساعت از وقت ارزشمند خود را صرف تماشای تلویزیون یا ماهواره کند. حتی در وقت نماز نیز نماز اول وقت و نماز جماعت را فدای فیلم و سریال می‌کند و در آخر وقت، قدری به عنوان نماز خم و راست می‌شود. معلوم است که چنین کسی خیلی به خودش ظلم می‌کند. نباید ظلم کرد، ظلم به مردم و ظلم به خدا نباید کرد؛ ظلم به خودمان هم نباید بکنیم. قرآن بر هر سه تاکید می‌فرماید. گاهی می‌فرماید: ای انسان ظلم به خدا نکن و شرک نورز؛ گاهی می‌گوید: ای انسان ظلم به مردم نکن؛ زیرا خیلی خطرناک است. گاهی هم می‌فرماید: ای انسان به خودت ظلم نکن. کشتن روح، ظلم بزرگی است که انسان نسبت به خودش دارد و متأسفانه توجه به ظلم خود نیز ندارد. لازم به ذکر است مراتب بعدی قساوت دل، در جلسه آینده بیان خواهد شد. ان شاء الله.

- [۱]. تکاثر، ۶- ۵
- [۲]. غافر، ۴۴
- [۳]. توبه، ۱۰۵
- [۴]. بحارالأنوار، ج ۲۶، ص ۲۳۵
- [۵]. کهف، ۱۰۳ و ۱۰۴.
- [۶]. مطفین، ۱۳.
- [۷]. مطفین، ۱۴.